بازدید شد
۱۳۸۱

کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی
تاسیس ۱۳۰۲
۱۱۲۱

کتابخانهٔ مجلس شورای ملی

مؤسسهٔ ۱۳۰۲

اسم کتاب: تدابیر سیاسی نظامی ساله دولت انگلیس در ایران و افغانستان
مؤلف: ترجمه از انگلیسی بتوسط: میرزا محمد خان
موضوع تالیف: ترجمه از ... بامر ناصرالدین شاه قاجار

شمارهٔ دفتر
۹۳۶۶
۷۶۲

بازرسی شد
۶۲ - ۳۷

بازدید شد
۱۳۸۱

کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی
۱۱۲۱
تاسیس ۱۳۰۲

کتابخانهٔ مجلس شورای ملی

اسم کتاب تدابیر سیاسی سی ساله روس و انگلیس در ایران و افغانستان

مؤلف ترجمه از انگلیسی بقلم: میرزا محمود خان

موضوع تألیف ترجمه از جراید خارجه بامر مظفرالدین شاه قاجار

مؤسسهٔ ۱۳۰۲

شمارهٔ دفتر ۹۳۶۶
۷۶۲

بازدید شد
۱۳۸۱

کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی
۱۱۲۱
فیروزتنک تاسیس ۱۳۰۲

کتابخانهٔ مجلس شورای ملی

اسم کتاب تدابیر سیاسی شصت ساله روس و انگلیس در ایران و افغانستان
مؤلف ترجمه از انگلیسی بتوسط: میرزا محمد رضا خان
موضوع تالیف ترجمه از جراید خارجه برای ناصرالدین شاه قاجار

مؤسسهٔ ۱۳۰۲
شمارهٔ دفتر ۹۳۶۶
۷۶۲

بازرسی شد
۳۷ - ۶۳

کتابخانه مجلس شورای ملی

بسمه تبارک و تعالی

این کتابچه ایست که یکی از دانشمندان متبحر انگلیس تألیف
نموده و محتویست بر پلتیک روس و انگلیس در ایران
و افغانستان از پنجاه سال قبل الی الآن نظر باهمیت
آن برای تقدیم حضور باهر النور اعلیحضرت قدر
قدرت اقدس همایون شاهنشاه جمجاه السلطان
بن السلطان بن السلطان ناصرالدین شاه قاجار
روحنا و روح العالمین فداه
ترجمه نمود چاکر جان نثار
محمود مترجم
انگلیسی

قسمی رفتار می نمایند که بر حسب اتحاد و منافع طرفین بوده باشد
نظر باین مسئله اهمیت مطلب این است که بوزیر مختارهای دولتین
مشار الیهما دستور العملهای کتبی داده شد که احدی از آنها
درباره تعیین و تعهد بایکدیگر خلافی و نفاقی نمایند زیرا که
فواید این اتفاق تنها باعث بر استقامت و امنیت مملکت ایران
خواهد شد بلکه سبب بر طرف نمودن جمیع حوادث نامطلوب
و حالات بی نظامی آنجا و باعث بر استحکام اعتماد و اطمینان
وزرای دولت ایران بر اقوال و افعال آن دو وزیر مختار
خواهد بود
و تمامی روابط پلتیکی ما منوط بر یک نکته است که آن حفظ نگاهداری

امنیت و آسایش داخله است و باید قسمی نمود که سلطنت و حکمرانی آنجا را ایران
بدون آنکه گرفتار یک اغتشاش و بی نظامی زیاد کرده و بوضع جدیدی
تغییرش داد و نیز آنجا را از دست درازی و تطاول احدی از دول
اجنبی محفوظش داشت
و این مطلب در ماه اوت ۱۸۳۴ سنه نوشته شد و چیزی از آن طول نکشید
مثلا در ماه فوریه ۱۸۳۶ سنه وزیر مختار انگلیس گذشته از اینکه شهادت و تصدیق
درباره اتحاد و امنیتی بدهد لازم دانست که درباره قصد و خیالات
جنگجویانه دولت ایران بجهة ملک گیری و ادعای دولت
مشار الیها درباره حقیت سلطنتی زمان قدیم خود بر افغانستان
بدولت انگلیس و کمپانی شرقی هندوستان اطلاع و خبر داده

شاهد و دلیل کلام خود هم تدابیر دولت ایران درباره بیرون
آوردن هرات از دست امارت افغانستان و تصرف نمودن
آنجا بود و همان تدابیر وزیر مختار روس مقیم طهران بدولت
ایران یادآوری وراه نمائی کرده بود وزیر مختار مشار الیه دولت
ایران را وعده بهر نوع امداد و معاونت از جانب دولت
روس داده بود و روسها چنین یقین میداشتند که فتحیابی دولت
ایران بر هرات وقندهار بجهة تقدمات خودشان بجانب
هندوستان خیلی نافع و سودمند خواهد بود و هرگاه هم علی العجاله
فایده از جهة ایشان متصور نباشد لابداً بجهة بعضی دست آویزها
ومشغول ساختن امور حکومتی انگلیس در هندوستان خیلی مفید و [illegible]

در آن وقت وزارت خانه انگلستان از وزارت خارجه دولت
روس در این باب مواخذه نمود
وزیر امور خارجه روس جواب داد که این لشکرکشی دولت ایران
از جهة رفع برده فروشی اسرای رعایای دولت ایران در ممالک
افغانستان و ترکستان میباشد دیگر هیچگونه باعثی ندارد
لیکن بوزیر مختار انگلیس مقیم سنت پطرزبورغ دستور العمل
وتاکید زیادی شد که درباره این حرکات مخالفانه کنت سیمونیچ
وزیر مختار روس مقیم طهران خیلی مذاکره و سخت گیری نماید
کنت نسلرود بوزیر مختار انگلیس جواب داد که بالصراحه بشما
میگوئیم وزیر مختار ما از این مطالب هیچ وجه اطلاعی ندارد

و هرگز کنت سیمونیچ چنین راه نمائی بدولت ایران ننموده است
کنت نسلرود علاوه بر مطلب مذکور بوزیرمختار دولت انگلیس
اظهار داشت که منهم درباره بیهودگی و بی معنی بودن
این خیالات دولت ایران با دولت انگلیس متفق الرای میباشم
و این تدابیر دولت ایران را به بصیرت و پلتیک دانی منتسب
نمیدانم لیکن ایرال درهام بهمان عقیده سابق خود باقی
مانده و فرصتی ازجهت مدلل ساختن رفتار وزیرمختار روس
در طهران به مسیو رودوفینکین رئیس اداره شرقیه روس
بدست آورد باز هم عذر دولت روس این بود که در صورتیکه
این امور از جانب مامور مسرزده باشد مطابق اجازه

و دستورالعملهای خود رفتار ننموده است و پرتستی که از جانب
دولت انگلیس در این باب شد تغییری باین حوادث طهران نداد
بلکه کنت سیمونیچ جسارت پیش رفتن زیاده بر آن بهم رسانیده
همین که دید دولت ایران قصد دارد از گسیل نمودن اردوی
خود بهرات صرف نظر نماید
در امور لشکری دولت ایران هم مداخله کرده و دولت
ایران را در این باب مورد سرزنش و ملامت ساخت
چندگاهی که گذشت مجدداً این مسئله قوت گرفت و در سنه ۱۸۳۷
ماموری که دارای بعضی مطالب بود از قندهار بجهه سفارت
خانه روس در طهران آمد و مامور مذکور علانیه اعتنائی

بملاقات نمودن وزیر مختار انگلیس نکرده و بدیدن ایشان
نرفت لیکن در فصل تابستان همان سال تغییری در اتفاقات
طهران بهم رسیده و کنت سیمونیچ که در سابق دولت ایران را
بجهة حمله آوری بر هرات تحریک و تحریص مینمود خود مانع از حرکت
اردوی ایران [٣] از این مقدمه منقضی گشته بود
و پادشاه ایران بتازگی بر سر تخت نشسته بود قصد داشت
که در ابتدای سلطنت خود یک خودنمائی و جنگجوئی نماید که باعث
بر خوف و وحشت حکام حول و حوش مملکت خود گردد
قوت و شوکت لشکری خود را بحکام مشار الیهم نماید
در حالتیکه کنت سیمونیچ از عقیده سابق خود برگشته بود پادشاه

[٣] بجانب هرات گردید چون از ممانعت دولت مشار الیها

ایران [٣] در وقت مسافرت بهرات صرف نظر نمود
چندی نگذشت که کنت سیمونیچ که مؤسس این کارها بود از ماموریت
خود معزول گردید و این معزولی ایشان باعث دیگری نداشت
جز آنکه او را از طهران حرکت دهند که بهمین بهانه خود را بهرات
برساند و در آنجا تمامی همّ خود را صرف راه نمائی دولت ایران [٣]
بدهد و قصد دولت روس از این کارها این بود که خود هم
در این میانه متصرفاتی بدست آورد و هرگاه هم در این باب
بقصد خود نایل نگردد لابداً در افعال و اقوال وزیر مختار انگلیس
در پای تخت ایران نقصان و زیانی وارد آید
وزیر مختار انگلیس در مکتوب مورخه ۲۰ ماه ژوئن سنه ۱۸۳۸

[٣] قصد لشکرکشی بجانب هرات گردید کنت مشار الیه از ملازمت پادشاه

[٣] از جهة محاصره نمودن هرات نماید علاوه بر این مبلغی نقود از جهة مشار الیه فرستاده شده بود که در آنجا بسربازهای دولت ایران

خود بلرد پالمرستون شرح ذیلرا درج نموده است

از قرار اطلاعاتی که حاصل کرده ام بجهة حرکت دادن اردوی بزرگ
از سرحد گرجستان تا قندهار چه از حیثیت آب و هوا و چه از بابت
آذوقه و اطعمه صعوبت و دشواری در میان نیست بلکه گمان
من این است که تا ساحل رود سند هم چندان مخاطره و اشکالی
از جهة اردوی مذکور متصور نباشد

کنت سیمونیچ هم از طهران کوس رحیل بجانب هرات زده
شاید که در آنجا هم بوسیلهٔ خود را بقندهار برساند
و اکنون مدت هفت ماه است که اردوی ایران راه ورود و رخنه
سختی بر هر نوع آذوقه و اطعمه شهر هرات و غوریان بسته نموده

و تمامی آذوقه حول و حوش آنجا را ضبط کرده جز محالات محصول خیز
سبزه زار و فراه را ضبط نکرده و دست اندازی بآنجا نه نموده است
بر حسب عقیده شخصی من دیگر ممانعت و اشکالی از جهة دخول اردوی
ایران بهرات باقی نمانده است و از قرار اخبار متواتری که بمن رسیده
بجهة حرکت اردوی مذکور بجانب قندهار هم چندان صعوبتی در میان نیست
بلکه در نهایت سهولت می توانند تا آنجا بروند در این صورت
از جهة استیلا نمودن هندوستان از این راه بهیچ وجه تأخیری
نخواهد بود علاوه برای تمام افغانستان هم ناچار باین مسئله
خود را حاضر و مهیا ساخته است

اختتام این عمل یک نوع مطلب تاریخی زیاده عمده ایست

با آن تدابیر که بواسطه دو نفر صاحبمنصب انگلیس در نگاهداری قلعه هرات بکار برده

و تدابیری که کنت سیمونیچ در این باب بکار برده شده بود هیچ
نتیجه نداشت زیرا که آن دو صاحبمنصب تقسیمی استحکامات
آنجا را نگاهداری نمودند که اردوی ایران ناچار بعقب نشست شد
نه تنها بعقب نشست بلکه باعث بر هلاک و قتل اکثری از اردوی
مذکور گردید

در حالتیکه دولت روس دم از نگاهداری امنیت و آسایش
ایران می زد در جنب و این گونه غائله ها را برپا می کرد دولت
انگلیس ناچار گردید که توجه کاملی بحوادث و حالات آتیه افغانستان
نماید و بفرستادن یک سفارت تجارتی که رئیس آن مستر الکساندر
برنس بود بکابل ناچار شد و همین الکساندر برنس بود

که قبل از آن بایلچی گری ببخارا فرستاده شده بود مشارالیه پس از
اندک توقفی در کابل با امیر دوست محمد خان[۲] افغان ملاقات بهم رسانیده زمام
انتظام امور افغانستان را بحیطه تصرف خود در آورد
در این اثنا صاحبمنصب بزرگی از روس موسوم به ویتکویچ
نیز در شهر کابل حضور بهم رسانید
و از قراریکه در کتاب آبی مشروح است صاحبمنصب مذکور
در نوزدهم ماه دسامبر ۱۸۳۷ وارد شهر کابل گردید
مشارالیه حامل دستخطی از وزیر مختار روس مقیم طهران بود
و در دستخط مذکور با امیر افغانستان تاکید و سفارش تامی شده
بود که مأمور مشارالیه را محل اعتماد خود دانسته و اورا بر تمامی

[۲] موقف

امور مخفیانه خود مسلط نماید و مأمور دولت انگلیس را از اسرار
محرمانه مملکتی خود محروم سازد از جمله مطالب مکتوب وزیر مختار
مشار الیه با امیر دوست محمد خان این است (من بشما عرض مینمایم
که با این مأمور بموجب رفتاری که باید با من بکنید بنمائید و کلمات
من است و از من بشما رسیده است و در زمان توقف ایشان
در کابل در حضور خود نگاهداری کنید و بگذارید که مشار الیه
از جمیع اراده و خیالات شما واقف باشد)
نیز در مکتوب مذکور صراحتاً درج نموده بود که من خشنود
هستم که تمامی دوستان شما را احترام و خدمتگذارم
هم چنانکه امیر قبل از شما این عبارت را از جهة امپراطور

ایشان را چنین خود
قبول نماید که کلمات

تمام ممالک روسیه نوشت که استدعا دارم که انتظام امور
ممالک افغانستان را هم متصدی شده و این نیازمند را در تحت
حمایت شاهانه خود نگاهداری نمائید و این نامه هم که از جانب
امیر افغانستان با امپراطور روس نوشته شد بواسطه حسن
خدماتی بود که از کنت سیمونیچ بظهور رسیده بود و امیر مشار الیه را
وادار نموده بود که این قسم نامه را با امپراطور متبوعه خود بنویسد
تقدمات روس منحصر بجانب کابل نبود زیرا که در تاریخ سنه ۱۸۳۸
وزیر مختار دولت انگلیس از طهران اخبار داد که یک نوع معاهده
از جهة اقامت دادن یک شخص بزرگی از رعایای دولت ایران
و والی قندهار منعقد گردیده مشروط باینکه شخص مذکور در تحت
حمایت دولت روس بوده باشد و قصد از این هم خیالی

در قندهار فیمابین
دولتها ایها

و اتفاق دولتین ایران و روس در این باب جز صدمه
و نقصان بمنافع دولت انگلیس وارد آوردن چیزی دیگر نبود
و اینمطلب بطوری صریح و موضح است که هیچ وجه حاجت به دلیل و
برهان ندارد ادله و براهینی که درباره حرکات منافقانه
دولتین ایران و روس بر ضد دولت انگلیس بعمل آمده وافر
و متکاثر است اشد براین سوء رفتار دیپلوماسی دولت
روس در شهر کابل آنها باعث عمده بروز این شورش این بود
که دولت ایران یک نفر کاپیتان قزاق غیر معروف یافته
که از ساحل رود ولگا بدون تحفظ و همراهی بجانب کابل
روانه میشو[۲] و بلکه همین باعث بر پشت گرمی دولت ایران گردید
و ماموریت وکیل مشار الیه این بود که بعد از ورود

[۲] و او را مانع نگردید

بآنجا وکیلی را که از جانب جنرال حکمران هندوستان فرستاده شده است
از شهر کابل اخراج نماید و حال آنکه وکیل مشار الیه که کاپیتان برنس شد
کسی بود که هرگز صاحب منصبی از ایشان بزرگ تر از جهة این نوع ماموریت
و وکالت مقرر نمی توان نمود و مشار الیه شخصی بود که مافوق
تمامی صاحب منصبانیکه باین شغل مامور می شوند می بود
بهر جهة این تقدمات روسها نه تنها اسباب خوف و وحشت
جنرال حکمران هندوستان گردید و ملاحظه نموده که اینموقع مناسبی است
از جهة گفت و شنید با روسها و حکومت هندوستان ناچار شده
از اینکه طلب امداد از حکومت لندن نماید زیرا که دربار لندن
بر وفق عدالت و مقرون بحزمیت و صلاح هندوستان حکم
خواهد کرد و قصد حکومت هندوستان این بود که حرکاتیکه

از دولت روس و وکلای ایشان سر میزند نجوبی بدولت انگلیس
بفهماند و در آن اوان لرد پالمرستون که صدر اعظم بود نیز
بوزارت امور خارجه مقرر گردید و دیگر لازم نبود که احدی ایشانرا
در این باب داوری نماید و درباره قول و فعل ایشان اطمینانی
حاصل کند و چیزی از اینمقدمه نگذشت که در تاریخ ۲۶ ماه اکتبر
سنه ۱۸۳۸ مشار الیه یک رقعه یادگاری مفصلی از جهة تقدیم نمودن
بدولت روس نوشت پس از آنکه اظهار داشت که بریطانیه کبری
منافع کلّی در مملکت ایران دارد مطالب ذیل را ابراز نمود.
لیکن در سنه ۱۸۳۶ دولت ایران درباره قصد خود بجهة فرستادن
اردوئی بجانب هرات و استیلا نمودن آنجا را اظهاری نمود
و یافته شد که این ادعای دولت ایران بر هرات بواسطه

حقوق سلطنتی می بود که در قدیم الایام دولت مشار الیها بر مملکت
افغانستان میداشت لهذا بوزیر مختار انگلیس مقیم طهران دستور العمل
داده شده که دولت ایران را از این خیالات باز دارد و بدلایل زیاد
دولت ایران را از شروع نمودن بجنگ مانع گردد خسارات
آن را بدولت ایران بنماید لیکن دلالت واره نمائی هائیکه
از جانب وزیر مختار دولت روس مقیم طهران بدولت
ایران میشد همگی معاکس و برخلاف دستور العملهائی بود
که بوزیر مختار انگلیس داده میشد مدتی بهمین منوال گذشت
که مستر مکنیل دولت ایران را اندرز میداد و محتاط میساخت
و کوشش مینمود که این نایره خیال دولت ایران را بواسطه کلمات
حکمت انگیز خود خاموش نماید لیکن کنت سیمونیچ وزیر مختار روس

برخلاف ایشان سعی و کوشش می نمود که دولت ایران ترغیب و تحریص
کند و آتش این مفسده را شعله ور نماید در حالتیکه یکی موعظه
درباره اعتدال و آسایش مینمود آن دیگری تحریک بجنگ و ملک
گیری میکرد و در حالتیکه یکی از مخاطرات و خسارات این عمل
بدولت ایران اظهار میداشت آن دیگری ایشان را باعانت
و امداد لشکری و پولی و امیدواری میداد

این رفتار و حرکات کنت سیمونیچ برخلاف عقاید و پلتیکی بود
که از جانب دولت روس اظهار گردیده بود لهذا دولت
انگلیس را وادار نمود که در سنت پطرزبورغ توضیحات و استفهامی
در این باب حاصل کند و بر طبق این معنی در ماه فوریه سنه ۱۸۳۷
ایرال درهام با کنت نسلرود ظاهر ساخت که کنت سیمونیش چگونه

حرکات و رفتارهائی مینماید و جویا شد که آیا وزیر مختار مشارالیه
برحسب دستورالعملهای دولت متبوعه خود رفتار میکند یا آنکه از رای خود
این مداخلات را می نماید

جوابی که کنت نسلرود در این باب به ایرال درهام داد خیلی واضح
و صریح و خالی از هرگونه شک و ریب بود مشارالیه بطور تحقیق اظهار
داشت که هرگز باور نمیکنم که این اخباری که درباره حرکات کنت سیمونیش
بدولت انگلیس رسیده صحت داشته باشد و در این خصوص خیلی شک دارد
و نیز اظهار نمود که هرگاه احیاناً این حرکات هم از کنت سیمونیش
سرزده باشد هرآینه صراحتاً برخلاف دستورالعملهائی که بایشان رسیده
که مهما امکن در هر وقت و بهر حال دولت ایران را از جنگ نمودن
بجهة استیلای هرات مانع شود رفتار کرده است هم در آن وقت

ایرال درهام نوشته که از جانب دولت متبوعه خود بایشان رسیده بود
که بچه جهات دربار انگلستان اظهار در بی کفایتی و پلتیک
ندانی دولت ایران کرده است از جهة کنت نسلرود خواند
کنت نسلرود اظهار داشت که تمامی این عقاید و افکار دولت انگلیس
صحه میگذارم و همرای دارم

ایرال درهام پس از این ملاقات خود با کنت نسلرود فوراً
مذاکره در این خصوص با مسیو رودوفنکلین نموده و در اثنای
و در اثنای این مذاکره مسیو رودوفنکلین کتابی که متضمن اصول
جمع دستور العملهائیکه به کنت سیمونش داده شده بود به ایرال درهام
نشان داد و قصد از نشان دادن کتاب مذکور این بود
که خواست به ایرال درهام معلوم سازد که هرگاه مطالبی که در باره

که درباره حرکات کنت سیمونش اظهار شده حقیقت داشته باشد
شارالیه چقدر برعکس و برخلاف دستور العملهای خود رفتار
نموده است — این بود اظهار و بیان دولت روس
در سنت پطرزبورغ لیکن با کردار وکلای روس که در ایران
می بودند خیلی مخالفت میداشت و آن اخباری که از مستر مکنیل
رسیده و از جانب کنت نسلرود مشکوک گردیده بلکه تکذیب شده بود
چیزی طول نکشید که بصحت و صدق پیوست زیرا که شخص صدر
اعظم دولت ایران این مطلب را به مستر مکنیل اظهار داشته بود
که کنت سیمونش اعلیحضرت پادشاه ایران را تحریک و ترغیب
بفرستادن اردوئی بهرات نموده بلکه خود کنت سیمونش
نیز بمستر مکنیل بیان نموده بود که من این کارها را نموده ام

با وجود آنکه خود مشار الیه اظهار داشت من بر خلاف دستور العملهائیکه
بمن رسیده که دولت ایران را از فرستادن لشکر خود بجانب
هرات مانع شوم رفتار کرده ام

علاوه براین اخبارات متواتر بدولت انگلیس رسید که در ظرف
دوازده ماه گذشته کنت سیمونش مبلغ پنجاه هزار تومان بپادشاه
ایران تقدیم نموده که بهمین جهت اسباب تقویت ایشان در لشکرکشی
بجانب هرات کرده و بجهت استیلا نمودن شهر هرات منتها
قوت و قدرت خود را مصروف دارد و کذالک کنت سیمونش
باعلیحضرت پادشاه ایران عرضه داشت که هرگاه بجهت تصرف
نمودن هرات کوشش زیادی نماید و آنجا را فتح کند هر آینه دولت
روس از آن مبلغی که از دولت ایران طلب کار است صرف نظر

خواهد نمود و دولت ایران بکلی از آن قرض مستخلص خواهد گردید
و این مبلغ در عوض سهمیه مصارف جنگی که باید دولت روس بدهد
محسوب خواهد داشت که همین باعث بر ترغیب و تحریص دولت
ایران بر استیلا نمودن هرات شود

پادشاه ایران شروع بحرکت نمودن بجانب هرات کرد با وجود
آنهمه ممانعت های وزیر مختار انگلیس باز هم در ماه نوامبر از همان سال
هزار و هشتصد و سی و هفت مسیحی آغاز بلشکرکشی بجانب هرات نمود
و در همان وقت یکی از صاحبمنصبان سفارت روس مقیم طهران
مقرر گردید که در معیت و در رکاب پادشاه ایران بهرات روانه
شود و قصد از فرستادن آن صاحبمنصب این بود که مشار الیه
بهر قدر که می تواند در باره فتحیابی هرات دلالت و راه نمائی بکند

کنت سیمونش در تاریخ ماه فوریه گذشته مکتوبی بوالی قندهار
نوشته و ایشان را وعده داد که تعهدنامه از دولت ایران
بجهة محافظت مشارالیه بگیرد و کنت مشارالیه در ضمن والی مذکور را
متیقن ساخت که هر نوع باشد دولت ایران بهرات مستولی
خواهد شد و نیز بوالی مزبور اصرار و تاکید نمود که فرزند خود را باردوگاه
دولت ایران بفرستد و در این باب اظهار محبت خود بوالی مشارالیه
کرده بود در ماه مارس وقتیکه روابط دولتین ایران و انگلیس
از هم گسیخته شد وزیر مختار دولت انگلیس قصد مسافرت بهرات و رفتن
باردوگاه دولت ایران کرد — در آن وقت کنت سیمونچ بوزیر
امور خارجه دولت ایران دلالت نمود که وزیر مختار انگلیس را
تهدید و تخویف از این مسافرت نماید و او را مانع گردد

که از این مسافرت صرف نظر کند حجتی که وزیر امور خارجه دولت
ایران در این باب گرفت این بود که این قصد و مسافرت وزیر مختار
مشارالیه باعث برنگشت و ناتمامی عمل دولت ایران خواهد بود
همین که باردوگاه ایران یا افغان برسد باعث بر دلیری و تقویت
اردوی افغان خواهد شد و همین سبب پس نشاندن دولت ایران
از خیال و قصد خود می شود
وزیر مختار انگلیس اعتنا باین نصایح و اندرزهای وزیر امور خارجه
ایران نکرده و بجانب هرات عازم گردید لیکن مشارالیه همین قدر
که استماع کرد کنت سیمونچ در تعاقب ایشان روانه شده است
و قصد عزیمت باردوگاه دولت ایران دارد تا هر قدر رفته بود
دیگر در مسافرت خود سست گردید من جمله مقاصدی که وزیر مختار

انگلیس بجهة باردوگاه دولت ایران داشت این بود که در آنجا رفتن
یک نوع اصلاحی که باعث برخیریت و منافع طرفین باشد درمیانه
ایران و افغان بدهد کوشش و مجاهده اول ایشان بعد از ورود
باردوگاه دولت ایران این بود که دولت ایران را ترغیب نماید
که بآن قرارداد و ترتیبی که یقین قطع میداشت والی هرات هم
قبول خواهد نمود راضی شده و صحه گذارد

آخر الامر مستر ملکم نیل از جانب پادشاه ایران مأمور گردید که داخل
بشهر هرات شده و در آنجا با والی هرات مذاکره نماید و وزیر امور خارجه
دولت ایران مستر ملکم نیل را اطمینان داد که هر قسم معاهده و قراردادی
که خود ایشان مصلحت بداند در آنجا منعقد نماید و نیز بمشارالیه اظهار نمود
که این قدر مختار و مفوض میباشد که بقسمی از جانب دولت ایران

در آن باب وکالت نماید مثل اینکه بجهة خود کاری را می کند
لهذا پادشاه ایران مقرر فرمود تا وقتیکه این مذاکره در میان است
هجوم و حمله بر شهر هرات موقوف باشد با وجودیکه جمیع تهیه و تدارک
این کار را هم دیده شده بود — و مستر ملکم نیل در وقت ورود خود
بشهر هرات چنین احساس نمود و امیدوار گردید که هرگاه قادر نگردید
از اینکه امنیت و آسایش کاملی درمیانه این دو فرقه متنازعه
بهم رساند لااقل چاره از جهة رفع خون ریزی و قتل نفس که خیلی
نزدیک بوقوع بود نماید

و آن شبی که پادشاه ایران قصد شبیخون زدن باردوی
افغان داشت بواسطه تدابیر مستر ملکم نیل مبدل بمذاکره صلح آمیز
گردید و آن شب هم بحالت خوشی بسر آمد و قبل از آنکه آفتاب

آن روز طلوع نماید مستر مکلم نیل قسمی تدابیر بکار برد که رضای کامل شاه
بر تمامی ادعاهائی که پادشاه ایران درباره خاطرجمعی و اطمینان مینمود
حاصل کرد از جمله تدبیر صائبی که بکار برد نگاهداری استقلالیت حکومت
هرات بود در حالتیکه وزیرمختار انگلیس در صبح آن روز باردوگاه
دولت ایران مراجعت مینمود و معتقد براین بود که نزدیک است
که جنگ را مبدل بحالتی که موجب رضامندی و احترام طرفین است
نماید و در وقت مراجعت ایشان از هرات بمعسکر دولت ایران
ناگاه مشارالیه مطلع گردید که در اثنای همین شب گذشته گنت سیمونیچ
وارد اردوگاه دولت ایران شده است لیکن ورود وزیرمختار
روس بشاه در موقعی بود که مستر مکلم نیل مشغول باین مذاکره بود
گذشته از این بورود وزیرمختار روس باردوگاه دولت ایران

تغییری در دل و رأی پادشاه روی داد بطوریکه دیگر بهیچ وجه
مایل بر صلح و مسالمت نبود برخلاف آن بیاناتی که در مغرب
روز قبل از آن کرده بود و آن اظهار وزیر امور خارجه دولت
ایران که بمستر مکلم نیل اطمینان داده بود که مختار و مفوض میباشد
که هر نوع قرار و ترتیبی که مصلحت میداند بدهد از جانب پادشاه
ایران بکلی تکذیب و انکار گردید زیرا که معاهده که مستر مکلم نیل
میخواست فیمابین این دو خصم نماید شامل بر تسلیم نمودن هرات که
از دیرگاهی باینطرف مردمان آنجا از جهة استقلالیت وطن خود جنگ
می نمودند نبود و این خصومتی که بواسطه مساعی مستر مکلم نیل رفع شده بود
مجدداً از دو جانب شروع گردید و گنت سیمونیچ قسمی رفتار مینمود
که بکلی برخلاف و برضد رفتار مستر مکلم نیل وزیرمختار انگلیس

می بود و این مطلب ظاهر و آشکارا گردید که کنت مشارالیه مشیر
و راه نمای عسکریه پادشاه ایران میباشد و نیز یک نفر صاحب منصب
خارج از فوجی که از اجزای سفارتخانه طهرانی روس بود در استخدام
پادشاه ایران گذارد که مشارالیه در ترتیب قلعه بندی باتری های
توپخانه و امور حمله وری قشون ایران بر هرات امداد و معاونت نماید
و مبلغی دیگر هم وجه نقد فراهم آورد که در میانه افواج اردوی
ایران تقسیم نماید و بواسطه کوشش و امداد و راه نمائی خود دولت
ایران را در قصد خود ثابت قدم می نمود که مخاصمت و عداوت
خود را پاینده بدارد

لیکن مدت ده روز از این زمان نگذشت که ایرانیها بطوری
که در ابتداء امیدواری از محاصره نمودن هرات میداشتند

ممکنشان نشد و از جهه ایشان میسر نگردیده که آنچه را قصد داشتند
صورت دهند لهذا وزیر امور خارجه دولت ایران مجدداً
پیغامی بمستر مکنیل فرستاده و از ایشان خواهش نمود که مجدداً
شروع بمذاکره کند و بهر قسم که موافق مصلحت و منش ایشان است
و مقتضی خیریت ایران و هرات میداند عمل را ختم نماید

پس از آن ملاقاتی فیمابین وزیر امور خارجه دولت ایران و
مستر مکنیل بوقوع پیوست در آن ملاقات وزیر امور خارجه
ایران بهمان معاهده که مستر مکنیل در زمان توقف هرات
گفتگوی آن را کرده و رضای حاکم آنجا را حاصل کرده بود [illegible] گذارده
و قبول کرد

وزیر مختار انگلیس مرتبه دوم خود را دوچار این زحمت کرده و بطوری

کامیاب گردید که قریب بود اصلاح کلّی در میان آید
و چیزی نمانده بود که آن صحه و امضای پادشاه ایران گذرانیده مجدداً عهدنامه
او را بهرات برگردانند و این عمل را بکلّی منتهی نماید لیکن باز هم بعضی
جهات مخفی و نامعلوم بظهور رسیده و همگی از زحمات مستر مکنیل را
بیهوده و لا نفع گذارد و تمامی امیدواری های ایشان را قطع نمود
دولت ایران مجدداً علی الغفله از رأی و خیال خود انحراف ورزیده
و معاهده را که باید تصحیح و امضا گذارد منکر گردید و خیلی احتجاج و بهانه
در این باب از جهة خود فراهم آورد لهذا دولت ایران از جهة
اجازه رفتن مستر مکنیل بهرات و بامضا رسانیدن آن عهدنامه
با آنکه اخبار دادن اعلیحضرت کامران شاه که دولت ایران صحه
بآن گذارده است نداد بعد از این مقدمه وزیر امور خارجه دولت ایران

بمستر مکنیل اظهار داشت که عهدنامه مذکوره بکلّی باطل و از درجه
اعتبار ساقط است زیرا که افاغنه تا آن زمان متّصل مشغول
به تعمیر استحکامات و اسباب دفاع خود بودند و بهیچ وجه
منظوری از انعقاد عهدنامه نداشتند آن عهدنامه که در ابتدا
دولت ایران قبول نموده بود از جماعت افاغنه بکلّی مخفی و مستور
نگاه داشته شد

علاوه بر این بدولت انگلیس اخبار زیاده موثّق داده شد که کنت سمونیچ
به پادشاه ایران اطلاع داده که اردوی بزرگی از دولت
روس مشغول حرکت بجانب خیوه و بخارا میباشد که هر دوی
آن ممالک مسخّر نمایند نیز بدولت ایران ظاهر ساخت که در صورت
ثبات قدم دولت مشارالیها در این باب و لشکرکشی دولت

روس بر سر خیوه و بخارا آن وقت وقوع یک سرحد موثقی
در میانه این دو دولت از جهة فتح و تسخیر هرات فایده کاملی
خواهد داشت و قصد کنت سیمونیچ از این بیانات بدولت ایران
این بود که دولت مشارالیها را زیاده از آنچه می‌بود ترغیب
و تحریص نماید اخبارات اخیره دیگری بدولت انگلیس رسید
که کنت سیمونیچ مجلس شورائی برپا نمود و طرح ریزی کرد و شخصاً
در یورش اردوی ایران که در بیست و سوم ماه ژون بر شهر هرات
آوردند و در دست آخر به شکست فاحشی بر اردوی مذکوره
وارد آمد سمت اشتراک داشته است و چنین مذکور شد که تنها
کسانیکه از جهة دولت ایران خیلی جان فشانی کردند چند نفر صاحب‌منصبان
روسی که در استخدام دولت ایران مشغول بودند می‌بود و تفصیل

ذیل چیزی است که بیان می‌نماید که دولت انگلیس صورتی از
معاهده که فیمابین دولت ایران و حکام قندهار گردیده[۳] بدست منعقد[۳]
آورده است که کنت سیمونیچ متعهد اجرای مواد آن عهدنامه
از جانب طرفین شده بود مضامین آن عهدنامه نه تنها کلیةً
بر ضد منافع دولت انگلیس است بلکه دلالت بر تجاسر بدولت
انگلیس هم مینماید و نتیجه آن ضمانت کنت سیمونیچ این بود که هرگاه
دولت روس این ضمانت را بعهده بگیرد آن وقت به بعضی
ستمگرها دولت ایران را ناچار نمایند از اینکه شهر هرات را
واگذار بدولت روس نماید و آن این بود که هرگاه دولت
ایران قصد استرداد شهر هرات بحکام قندهار نماید هرآینه
دولت روس شهر مذکور را مع بعضی متصرفات دیگر تماماً

تصاحب نماید و آن عهدنامه مشتمل بر این اقرار و اعتراف
امرای افغانستان در تبعیت و باجگذاری دولت ایران میبود —
و علاوه بر این تضمنات مشتمل بر وعده بود که دولت ایران را
ناچار نماید از اینکه مملکت افغانستان را از یورش و تاخت و تاز هر یک
از سلاطین و حکام اجنبی محافظت نماید راست است که در ضمن
آن مطالب علامت و اشاره مخصوصی بجانب دولت انگلیس نشده
لیکن در ابتدای آن وقتی که طرفین صحه بانعقاد معاهده گذاردند
و لایحه اصول مطالب بیکدیگر رد و بدل نمودند و در آن لایحه
بدون پرده پوشی و اغماض بلکه در صراحت کلام بیان شده بود
که دولت انگلیس احدی از آن دول میباشد که باید بواسطه
امداد و تقویت دولت روس دفع و رفع دست درازی

آن بهنگام قندهار بشود و تفصیل ذیل دلالت دیگری می نماید که وکیل
دولت روس که موسوم به ویگوویچ بود و در بعضی اوقات خود را
عمر بیک می نامید چنین مذکور گردید که مأموریت عالیه از جمله
تأمین های سردار اردوی اورنبورگ و حامل نامه از امپراطور
روس و مکتوبی از کنت سیمونیچ از جهه حکمران کابل بوده است
و اکنون هم سوادی از آن مراسلات در وزارت خارجه
دولت انگلیس محفوظ است و وزیر مختار دولت روس در زمان
فرستادن مأمور مذکور بافغانستان چنین مناسب دید
که این مطلب را بکلی از وزیر مختار دولت انگلیس مخفی بدارد
لهذا این مأموریت میو ویگوویچ از مستر مکنیل مخفی گذارده شد
و سبب مخفی داشتن این مقدمه هم این بود که نوشتجاتیکه

در همراهی مأموریت مشار الیه بود کلی برضد و برخلاف منافع
دولت انگلیس بود و بدین جهة این مطلب را خفیه داشتند خوف آنکه
مبادا نتیجهٔ که از مأموریت مشار الیه حاصل می شد بظهور نرسد
لیکن اخباری بدولت انگلیس رسید که کنت سیمونیچ بپادشاه
ایران عرضه داشته که این وکیل دولت روس بحکمران
کابل دلالت و راه نمائی خواهد نمود که حکمران مشار الیه
از دولت ایران طلب امداد و معاونت بجهة مخاصمت
و عداوت با حکمران پنجاب خواهد کرد نماید و اخبارات دیگر
نیز بدولت انگلیس رسید که وکیل دولت روس خود شفاهاً
در کابل و در قندهار اظهار داشته بود جز آنکه مجزا نمودن یا دوری
جستن حکمرانهای مشار الیهما از هر نوع روابط با دولت انگلیس

دیگر مأموریت عمدهٔ ندارم و مأموریت مشار الیه این بود
که در ابتداء این کار را نماید و در ثانی حکمرانهای مشار الیهما را
راغب و طالب باعتماد و اطمینان بر دوستی و مودت با دولت
ایران نماید و در دست آخر آنها را مایل باتفاق و تبعیت
دولت متبوعه خود کند

هرگاه دولت انگلیس درباره صحت این حوادث مذکوره فوق
شک و شبههٔ داشته باشد و همان شک شبهه و ایشان را
بموجب نطق مخاصمانهٔ که کنت سیمونیچ نسبت بدولت انگلیس
در طهران بوکیل امیر کابل نموده است می توان بقوت
کامل مبدل بصحت و حقیقت نمود علاوه براین دولت انگلیس
بر تمامی نطقی که وکیل دولت روس بوکیل امیر افغانستان

در طهران نموده است وقوف و استحضار کافی دارد
و از پیامات سابق چنین مفهوم میشود که در دست آخر وقتی
که فیمابین دولت انگلیس درباره امور ایران مخابره و مکاتبه
در میان آمد در آن وقت دربار سنت پطرزبورغ درباره
دلالت و راه نمائی که بدولت ایران از جهة آغاز نمودن
بجنگ کرده بود انکار کرد و برخلاف این ثابت و مدلل ساخت
که دستور العملهائیکه بوزیر مختار روس مقیم دربار دولت ایران
داده شده این است که دولت ایران را در هر زمان و در هر صورت
مانع از جنگ و مانع از یورش بردن بر شهر هرات شود
لیکن برخلاف واقع وزیر مختار دولت روس تمامی آن مدت
ماضیه را تا زمانیکه مکاتبه و مخابره فیمابین دولتین روس

و انگلیس در این باب در میان نیامده بود همواره دولت ایران را
ترغیب و تحریص بجنگ میکرد و وعده از دادن صاحبمنصبهای
کاردان و صاحب اطلاع در خدمتگذاری دولت مشارالیها
میداد که اسباب تسهیل دولت ایران در مقاصد خود شود .
آن وقت دولت انگلیس درباره مذاکره که در ماه مه سنه ۱۸۳۷
فیمابین ایرل درهام با کنت نسلرود وزیر امور خارجه دولت روس شده
بود که کنت سیمونیچ من بعد از این در ایران اقامت نخواهد داشت
مشغول بچشم براهی و انتظار بود
کنت سیمونیچ هم همین قدر که آگاه گردید زیاده از این در ایران
نخواهد ماند در نهایت عجله و سرعت و در آشکاری کامل اظهار داشت
که هرگز دولت متبوعه اش از اظهار رضامندی از این امور ابداً

علاوه براین از تفاصیل فوق استنباط می شود که هرگاه دولت روس
هم چنانکه در سنین ماضیه اظهار داشته بود که قصد اتفاق و اتحاد
با دولت انگلیس دارد و در تمامی امور راجعه با یران پیروی از خیالات
دولت انگلیس می نماید لازم بود که تمامی حرکات و رفتار خود را
در آن نقطه برحسب اتفاق و دوستی با دولت انگلیس بوده باشد
لیکن وکلای دولت روس چه در ایران و چه در افغانستان
همواره نوعی بوکالت خود اقدام نمودند که مخفی از وکلای
دولت انگلیس گذارده اند و بطوری حرکت می کردند که برضد
و برخلاف منافع دولت انگلیس چه در امور خودشان و چه
در امور وکلای انگلیس بکلی معاکس و برخلاف بوده اند
دولت انگلیس یقین دارد که دولت روس در آزادی کامل پیروی

از تمامی مطالبی که مطابق خیریت و مصلحت اندیشی دربار سنت پطرزبورغ
میباشد رفتار کرده و میکند و دولت انگلیس خود هم مایل بقوت و نفوذ
خود که مایه اتساع تسلط و اقتدار و باعث بر محافظت فواید دولتی
ایشان در هر نقطه از کره ارض است میباشد و نوشتجاتیکه در این باب
فیمابین دولتین انگلیس و روس رد و بدل شده از جهة این مدعا
دلیلی است کافی و دولت انگلیس همواره در تمامی اموری
که بر وفق رضا و منافع خود نمی دانسته سخت گیری های زیاد
می کرد و همین عبارت از جهة این مسئله دلیلی است واضح
لیکن دولت انگلیس بر خود لازم بل واجب دانسته بود
که از دولت روس سؤال نماید که آیا دولت روس بر تقریرات
کنت نسلرود و مسیو رد و فینسکین که با یرال درهام نموده اعتماد مینماید

یا آنکه ملاحظه از رفتار و حرکات کنت سیمونیچ و مسیو ویتکویچ خواهد کرد
و دولت انگلیس در فکر خود محق و مصاب است که بهر جهة
و بهر سمتی که باشد دولت روس عقیده و انکاری که در ماه
فوریه و در ماه مه ۱۸۳۷ به ایران در باب اظهار داشته بود
تغییر داده است ولیکن دولت روس بملاحظه پلتیک
حاضر خود مناسب دید که دستور العمل جداگانه بوزیر مختار خود مقیم
طهران بدهد که برخلاف اظهارات کنت نسلرود و مسیو رودوفنیکین
که بوزیر مختار انگلیس نموده اند بوده باشد و مخالف از آن نوشتجاتی
که بوزیر مختار انگلیس نشان داده شده است باشد
در این حالت تمامی مکاتباتیکه فیمابین دولتین انگلیس و روس
در مسئله امور ایران شده است بدربار انگلستان دلالت

کامل میدهد که دولت روس در افعال و اقوال خود خیلی مخالف
بوده است و در پلتیک خود تغییرات فاحشی داده است
یا آنکه خیر بر دولت انگلیس معلوم میشود که آن نوشتجاتیکه مسیو رودوفنیکین
به ایران در باب نشان داده بود همگی جعلیات بوده و اصل
آن دستور العملهائیکه به کنت سیمونیچ داده شده بود نمایان شد
و از اینجا معلوم گردید که تغییر و مخالفت در پلتیک از دولت
روس گردید نه آنکه از دولت انگلیس و تقصیری که از دولت
روس بظهور رسید نه تنها از کردار وکلای ایشان که در ایران
و چه در افغانستان بودند سر زد بلکه از دربار دولت مشار الیها تمام
این مسئله بروز کرد
و آن یادداشتی که از ابتداء این حوادث تاکنون نوشته شده

کتابخانه مجلس شورای ملی

حاوی مطالبی است که خیلی ظاهر و آشکار است که بواسطهٔ آن
یادداشت تمامی ناموافقتی هائیکه درمیانهٔ ملتین انگلیس و روس
میباشد رفع شده و هردوی این طوایف را دلالت بسلامت
نفس مینماید
و ازروزی که شروع به نگاهداشتن یادداشت درمیانهٔ ملل شده
تا کنون قصد از آن این بود که همواره همگی ملل بایکدیگر بطور مؤالفت
و موافقت حرکت نمایند
زمانیکه این یادداشت ها در انگلستان نوشته می شد وزارت خارجه
دولت روس مانند زمان حاضر صراحةً درکمال فصاحت و بلاغت
کلام اظهار میداشت که قصد دولت روس این است که تمامی
حالات نامطلوب را موقوف و برطرف نماید

دولت متبوعه

در حقیقت دولت مشار الیها اظهار از مقاصد دولت انگلیس
نسبت باموری آسیائی میکرده نه آنکه قصد خود چنین بوده است
کنت نسلرود در مراسله غره ماه نوامبر سنه ۱۸۳۸ خود به کنت پزودی
بارگو تفصیل ذیل را نگاشت (قصد و خیال برطرف نمودن امنیت
و آسایش متصرفات بریطانیه کبری در هندوستان دردول
امپراطور واجب الاطاعه ما هرگز نه خطور کرده و نه بعد از این
خطور خواهد کرد امپراطور متبوعه ما فقط مایل بآنچه را که مقرون
بعدالت و انصاف و آنچه را که ممکن الوقوع است میباشد
بنابدین وجهات حقیقی هرگز خود را به کاری که مایهٔ کسر و نقصان
سلطنت دولت انگلیس در هندوستان باشد مشغول نخواهد
فرمود و آن را موجب عدالت و انصاف نمیداند زیرا

کر چیزی که باعث بر این عمل شود بظهور نرسیده که لزوم با این حالات
امپراطور معظم ما گردد و این مسئله ممکن هم نخواهد بود .
در صورتیکه دولت متبوعه ما چنین خیالی را در قلب خود راه دهد
آن وقت به جهات عدیده می باید که از این عملی که باعث بر خطرناکی
و گرفتاری میباشد کلی خود را از این خیال باز دارد گذشته از این
ما چه استحقاق پلتیکی یا غیره می توانیم خود را دوچار این عمل جنگجویانه
که جز هلاکت خود چیزی متصور نیست بنمائیم یک ملاحظه نمودن
بر نقشه دنیا از جهة تصدیق این کلام کافی است زیرا که از ملاحظه
نقشه تفاوت و تباعدی که فیمابین این مملکت و مملکت هندوستان
دانسته خواهد شد این مسئله در نزد تمامی اشخاص صاحب شعور
و دانش و در نزد تمامی اشخاص معتدل و منصف واضح

و مبرهن است که هرگز دربار دولت روس تدابیری
که از جهة سلطنت انگلیس در ممالک شرقیه مضر و معاکس میباشد
پیش نهاد خود نموده است بدون شک و شبهه قصدی که
محمد شاه درباره جنگ نمودن با هرات کرده کلیةً بواسطه حقوق سلطنتی
خود که پادشاه بالاستقلال است میبود لیکن آن زمان از جهة لشکرکشی
موقع مناسبی نبود و مخاطراتیکه نسبت بلشکر متصور بود زیاده از حد
می بود و در آن وقت آنچه را از قوه و اقتدار ما بر می آمد کردیم
که این خیال را از ضمیر پادشاه ایران بیرون کنیم و دولت
ش را ایلها را ترغیب نمائیم که با حکمران هرات طریقه مودت
پیش گرفته و تمامی حرکات خصمانه را موقوف و برطرف نماید
در حالتیکه گنت سیمونیچ از روی همچنین دستور العملی از دولت

متبوعه خود داشت که فوراً درین باب حکم و فرمانی باو داده شد
که بهر قسم که از جهة او ممکن و متیسّر شود پادشاه ایران را وادار
بمصالحه که سابق قریب باتمام بود نماید هرگاه مأمورین ما در خدمت
بوظیفه خود کامیاب نشده و از تمامی مساعی ایشان نتیجه مثمری
حاصل نگردید که مانع از این غائله شود درین صورت تقصیر و
جنایت این جنگی که ضرر و خسارات آن را قبل از وقوع اطلاع
داده و بدولت ایران آشکار ساخته بودیم بر ما وارد نمی آید محقق
بدانید که هرگز ملامت سرزنش این حادثه بر دربار روس
نمی توان وارد آورد که مؤسس این جنگ شده و دولت ایران را
تشجیع باین کارها نموده است هرگاه همگی مطالب مذکوره فوق
رفع شک و شبهه از دربار روس بجهة مانع بودن از این عمل نمیکند

همین نکته و نمونه که در ذیل ذکر می شود از جهة دلیل بر اقوال ما کافی است
و آن این است که دولت ایران یک باطالیان
سواره از مهاجران رعایای روس ترتیب داده و عمده
قوت لشکری دولت ایران که در مقابل هرات جمع شده اینها
بودند و امپراطور متبوعه ما بدولت ایران اطلاع داده بود که آنها را
پس بفرستد و دلیلی دیگر که بهتر از دلیل مذکوره فوق میباشد این است
که در زمانیکه کنت سیمونیچ باردوگاه دولت ایران وارد گردید
و مشاهده پریشانی ایشان کرده بر خود لازم ندید که درین باب
امداد و معاونتی نماید و در وقتی که پادشاه ایران ایشان را
طلبید که درباره محاصره نمودن هرات با او مشورت نماید
مشارالیه از حضور با آن شورا اغماض کرده و نرفت

نیز محققاً ما در کارهائیکه کنت سیمونیچ مداخله نموده انکاری نمی نمائیم
هرگاه یک صاحبمنصبی از جانب دولت انگلیس هم چنانکه کنت سیمونیچ
مامور شده بود با آن نوع ماموریت مقرر می شد هر آینه بدون
هیچ گفتگوئی او هم بقسمی که واجب بود که باید با دولت متحابه
رفتار کند معمول داشته امداد و معاونتی کرده و اصلاحی
که مایه خیرخواهی آن دولت بود می نمود گذشته از این هرگاه
پادشاه ایران از این حالت خطرناک بطور فتحیابی بیرون می آمد
یعنی هرگاه شهر هرات را فتح و استیلا مینمود هرگز قصد و خیال
دربار روس مترتب براین نمی شد که بواسطه اتساع قوت
دولت ایران یک نوع حالت وحشت انگیزی بولایات
حول و حوش آنجا روی دهد علاوه از این مطلب وزیر مختار

خیلی سعی و کوشش نمود که دربار ایران را بترتیب صلح انگیزی دلالت
و راه نمائی کند و دلیلی که کنت سیمونیچ در این باب آورد این بود
که دولت ایران خود شهر هرات را به کهندل خان که والی قندهار
میباشد واگذار نموده است در این اثنا یک مذاکره مصلحانه
بتوسط وزیر مختار سیکو کار ما فیمابین دولت ایران و والی قندهار
جاری شد و اصلاح هرگاه صورت گرفته بود هر آینه دلالت
بر اساس آن معاهده می کرد که استقلالی افغانستان را
ظاهر می ساخت و دولت ایران را از حمله آوری بر ولایاتیکه
در تصرف خوانین و سردارها بود مانع میگردید و همین باعث
بر امنیت و آسایش داخلی مملکت افغانستان میشد و دیگر اراده
گفتگوئی بجهة دولت ایران درباره لشکرکشی بافغانستان باقی نمیگذارد

ابقاء ترتیب

و در صورتیکه جلوگیری از حالات نامطلوب آن مملکت می شد
هر آینه رفته رفته اسباب گشایش و اصلاح حال آن مملکت گردیده
باعث بر قوت و اتساع تجارت عموم اهل زمین و سبب
بر پیشرفت صنایع و حرفه داخله آنجا می شد و در عوض امتعه
تجارتی که از خارج باینجا داخل میشد محصولات زمینی آسیای
مرکزی حمل بخارج میگردید بر حسب اطلاعی که بدولت روس
رسیده محصولات زمینی آسیای مرکزی بقدری وسعت
که میتواند کفایت از خیلی از ولایات خارجه نماید و می توان اورا
بطور آزادی و آسانی مفتوح ساخت نظر باین اطلاعات
حاصله بر دولتین انگلیس و روس واجب است که ملاحظه منافع
سیاسی و تجاری یکدیگر را کرده وقر و احترام یکدیگر را

منظور دارند و رفتاری که مانع از این باشد نمائید ما در اظهارات
خود و عقیده حقیقی خود ثابت قدم هستیم و ما نباید هر گونه چیزی را
که قصد او را کرده ایم یا آنکه مشغول آن شده ایم از یکدیگر مخفی
و پنهان بداریم — اول بیان آشکار ما از این مدعای
که در فوق ذکر شد این است که ما بدولت انگلیس اطلاع دهیم
که در این تازگی یکنفر وکیل روسی بکابل فرستاده شده که در آنجا
مذاکره از جهة استقرار روابط تجارتی نماید و این اظهاری
که لرد پالمرستون درباره حالت ظاهری این وکیل با شما کرده است
مسیو کامیت در این باب صادق است لیکن از اصل و منشأ
فرستادن این وکیل بدولت انگلیس اظهار شده که جز آرزومندی
از رفع نمودن بعضی خیالات زیاده روی و حرکات غیر معقولانه

چیزی دیگر در نظر نبوده است بدین ملاحظه همین قدر از جهة
ما کافی است که اظهار داریم که این وکالت سیو ویگویچ بکابل
مخصوصاً بواسطه مأموریت وکیلی است که در تاریخ سنه ۱۸۳۷
از جانب دوست محمد خان به سنت پطرزبورغ[۳] محض از جهة
قرارداد یک نوع رابطه تجارتی با دولت روس می بود که بدان
جهة ثباتی در منافع و درجهٔ با منّت داده شود که بهمان واسطه
جرأت و اطمینانی به تجار روسی از جهة افتتاح تجارت خود
با بعضی از ولایات افغانستان که در نزد روسها هنوز محل
اطمینان نبوده و اطلاعات کامله از آنجاها ندارند بشود
دولت متبوعه ما اول قصدی که از فرستادن این وکیل
بکابل داشت این بود که حامل نامهٔ در جواب مراسله

۳ فرستاده شدن ست و قصد از فرستادن وکیل مشارالیه

که دوست محمد خان که در ابتداء بدولت روس نوشته شده است
بوده باشد این است اظهار واضح در باره صحت جهات مأموریت
وکیل مذکور بمسافرت موقتی او بکابل و دیگر قصدی درباره
انعقاد یک معاهده تجارتی یا آنکه بهم رسانیدن یک رابطه پلتیکی
که باعث رشک دولتی دیگر یا آنکه سبب ظهور رنجش و کدورت
دولت ثالثی شود نبوده است و آن قصد نزدیک بحصول
بود یا آنکه حاصل گردید لیکن نتیجه که از این فرستادن وکیل معزّ
الیه درباره ترتیب دادن یک نوع قرارداد تجارتی متصوّر بود
این است که آن وقت دولت روس بواسطه تباعد زیاده
که در میانه ممالک روسیه و افغانستان واقع است و خوف
آنکه تواتر و ازدیاد تجارت روسیه با آنجا اسباب سلب منفعت

و ظهور اندیشه و خطری کرده ناچار و ملزم خواهد گردید که خود را
مهیای یک نوع احتیاط بزرگی نماید که بواسطه آن احتیاط
رفع هرگونه خرابی و ویرانی که محتمل بود بر آن سرزمین
وارد آید بشود بنابهمین بیانات صریحی که دربار روس
بدربار انگلستان مینماید اعتماد و اطمینان کاملی داده است بهیچ وجه از این
ماموریت مسیو ویکویچ بکابل قصد عداوت جزئی یا کلی نسبت
بانگلستان یا آنکه تدبیری که مایه ضرر و خسارت انگلستان باشد
در میان نبوده است وهمچنین دارای تدابیری که باعث بهم خوردگی
امنیت و آسایش متصرفات دولت انگلیس در هندوستان
شود نخواهد بود این بود بیانات کنت نسلرود که به کنت
پوزو دی بارگو در سنه ۱۸۳۸ نمود)

پس کنت نسلرود شروع نمود باین مطلب که این روابط مستحکم
که در میانه دولتین روس و ایران بهم رسیده بواسطه این دست
اندازی بحری است که دولت انگلیس تازگی در خلیج فارس نموده
و تسلطی در آنجا حاصل کرده و جزیره خارک را متصرف شده است
و کنت مشارالیه اصرار نمود که این قصد دولت انگلیس نه تنها
از جهة تجزیه نمودن قطعه از ایران و متصرف شدن آنجا است
بلکه عمده آن سوء قصدی درباره دولت روس میباشد
که بهمین جهة دولت روس هم ناچار از این شده است که در عوض
اقداماتیکه باعث بر محافظت و امنیت خود میباشد بعمل آورده
و احتیاطی درباره ممالک خود نماید لهذا اسباب رقابتی
فیمابین دولتین انگلیس و روس فراهم آمده است

آمده است - کنت نسلرود نیز اظهار داشت از آنجائیکه
دولت انگلیس بعضی مقاصد و خیالات مخالفانه پیش نهاد
خود کرده ما هم لابدیم که اقدام و کوششی که موافق خیالات
دولت مشار الیها از جهة خود شایسته و سزاوار دیده است
بعمل آوریم محققاً بدانند که دولت روس تنها دولتی است
که در میانه سفرای دولتین روس و انگلیس مقیم دربار دولت
ایران میل ظهور یک نوع اتحاد و یک جهتی چه در خیالات
و چه در افعال وزیر مختارهای مشار الیها دارد در سنه ۱۸۳۴ در زمانیکه
دولت روس بعضی مقاصد خیرانگیز درباره استقرار امنیت
و آسایش داخله مملکت ایران پیش نهاد خود نمود نیز این مودت
و اتحاد وزرای دولتین مشار الیها در پای تخت ایران

آرزومند گردید و همواره بدولت انگلیس درباره پیروی نمودن
این مطلب یادآوری و تأکید میکرد
برحسب تقریرات لرد پالمرستون معلوم گردید که دولت انگلیس
بعمده نتیجه مراسله که از جانب دولت روس نوشته شده است
صحه گذارده و مواد آن مراسله را بطور خشنودی پذیرفته است ولی
دولت انگلیس در جواب این مراسله اظهار داشت و اشاره واضح نمود
که تمامی ملل استحقاق یکنوع منافعی دارند که نمی توان آنها را از منافع
خود محروم ساخت و آن منافع را باید در هر صورت چه در حالت
خطر و چه حالت جانفشانی باید منافع دولتی خود را منظور
و در نظر اهمیت خود ملحوظ دارند که بدان وسیله محافظت حقوق
خود را نمایند و نیز دولت انگلیس اظهار داشت که هرگاه بنائی پیشینک

امپراطور روس بموجب مطالبی است که کنت نسلرود در مراسله
خود اظهار داشته و وکلای دولت مشار الیها در ممالک شرقیه
بموجب اجازه و دستور العملهائیکه بایشان داده شده رفتار
نمایند هرآینه از هر جهة امیدواری حاصل است که من بعد ازاین
در تمامی آن نقاط رفتاری که مایه عدم موافقت و رضامندی
دولتین انگلیس و روس میباشد و باعث بر ظهور اختلافی در میان
این دو دولت میشود بهیچ وجه بظهور نخواهد رسید
و دولت انگلیس نیز محقق می سازد که همین منتهای آمال و آرزوی خود
درباره موافقت افکار و برطرف نمودن تمامی حوادث
ناگوار و باعث بر نگاهداری و استقرار صلح و صفا خواهد بود
آن وقت نیز دولت انگلیس تفصیلی که اجمالی از آن در اینجا درج

می شود نوشت که این دو دربار باید در امور آینده کلیة با یکدیگر موافقت
داشته باشند و بنظر دولت فخیمه انگلستان چنین می آید که پیروی
و تعاقب نمودن از حوادث ماضیه جز آنکه باعث بر اختلاف
فیمابین شود دیگر فائده و ثمرهٔ از آنها مترتب نخواهد بود لیکن
سکوت احدی ازاین دو طرف هم نباید باعث بر رضای یکی
از دولتین مشار الیهما درباره بعضی بهانه جوئیها دانست •
اینکه مطالب ایمراسله کلیة بالصراحة نوشته نشده یک ملاحظه
دیگری است و مآل این مکتوب نیز مشتمل بر تکرار مباحثه ایست
که سابق براین نیز اظهار شده و آن این است که اعلیحضرت پادشاه
ایران بواسطه بعضی مشیرهای خائن که بواسطه خود ایشان
دارای نفوذ و تسلط شده اند اغوا و فریب خورده شده اند

واقدامی که ازجهة تجدید روابط ومودت سابقی دولتین ایران
وانگلیس لازم بعمل آید باید آن اقدام ازجانب دولت ایران گردد
نه آنکه ازجانب دولت انگلیس مطلب ملحق شده ذیل پیمان ازابتدا پیر
دیپلوماسی دولت روس که ازروی خیانت رفتار کرده است
وپیمان درمقاصد صلح انگیز دولت انگلیس مینماید وظاهر میسازد
که دولت مشارالیها دراین باب گفته است که مافات مضی
لیکن درمجلس پارلمنت درخصوص آنمطالب مباحثه ومحاوره زیادی
گردید دراین باب کنت نسلرود نیز مناسب دانست که ازپلتیک
صلح انگیز آقای معظم خود که امپراطور باشد پیروی نموده وبدولت
انگلیس اطمینان دهد که دستورالعمل هائیکه بوزیرمختار روس
مقیم طهران داده شده ومعاهده که کنت سیمونیچ با رؤسای

قندهار بسته است درپیشگاه اعلیحضرت امپراطوری بهیچ وجه
مورد قبول ورضامندی نگردیده است وسیمونیچ هم
ازقندهار طلبیده شده است لهذا دولت انگلیس ازاین
اطمینانهای متواتره کنت نسلرود خیلی خاطرجمع ومسرور گردید
وبواسطه خیانت وحرکاتیکه ازسیمونیچ سرزده بود دولت
روس برضد او وبرحرکات خودسرانه او پروتستی کرده وحالات
اورا باطل وبیمعنی ساخت
مدت بیست وپنج سال ازاینمقدمه گذشت ناگاه برا اهالی انگلستان وهندوستان
بواسطه تقدم سریع دولت روس برسرحد هندوستان
مجدداً حالت خوف ووحشتی مستولی گردید چنانکه در سنه ۱۸۹۰
ایرال کلارندون که درآن زمان سمت مستشاری وزارت خارجه

داشت بوزیر مختار روس مقیم دربار لندن دراین باب اظهار داشت
وبیان بارون برونا وزیر مختار روس این بود که دولت
روس طالب وآرزومند براین است که متصرفات خود را
زیاده ازسمت جنوبی آسیای مرکزی تجاوز ندهد وهمواره
قصد دارد که متصرفات خود را ازآنجا وسعت ندهد مشارالیه
اظهار داشت که من علم واطلاع کامل از پلتیک دولت
متبوعه خود دارم که بهیچ وجه رفتاری که باعث بر سلب امنیت
هندوستان ومایه ضرر وخسارت انگلستان باشد پیش نهاد
خود نخواهد کرد

ونتیجه تمامی این اختلافات ازجهه ترتیب موضحی بود که باید بعضی
از ولایات درمیانه دولتین روس وانگلیس بطور بیطرفی باقی بماند

وهمواره خارج ازحدود این دو دولت باشد وهریک ازاین
دو دولت بآن ولایت بطور مودت وخیرخواهی رفتار
کنند پرنس گرچاکوف ازجانب دولت روس مطالب
ذیل را اظهار داشت

من ازجانب دولت روس اطمینان کامل میدهم
که دولت مشارالیها همواره مملکت افغانستان را خارج ازآن
نقاطی میداند که خیال استوار نمودن تسلط واقتدار خود را
درآنجا کرده است وبهیچ وجه قصد مداخله درباره امور امارتی
آنجا درقلب خود راه نداده که همین باعث بر انقلاب استقلالیت
آنجا گردد وما امیدوار برآنیم که دربار لندن نیز خود را هم قصد و
هم خیال دربار سنت پطرزبورغ کرده باشد

خواهش و آرزوهای لرد کلارندون را باید از مد نظر بیرون کرد
محل معین ها در آسیا بواسطه یکنوع سرحد خیلی موضحی تعیین خواهد کرد
که رفع هر گونه دست درازی و تقدم فوری خواهد کرد که تفاوت
کاملی در میانه هر دو سرحد بشود —— و هریک از این
دو دولت در آسوده‌گی کامل بوظیفه و تکلیف خود که اتساع
دایره مدنیت و انسانیت میباشد مشغول بشوند و نیز هریک از
دولتین مشارالیهما در قسمتی که مرجعیت آن بایشان است به تربیت
و تمدن موکولی خود اشتغال ورزند که همین باعث بر ترقی و رفاه
حال اهالی آن مملکت گردد
علاوه بر این در صورتیکه ملاحظه قصد دربار سنت پطرزبورغ بشود
پرنس گرچاکوف بمناسبت ظهور بعضی حوادث بیان نمود

که از جهه مسافرت صاحبمنصبان انگلیس بکابل بهیچ وجه اعتراض
و ممانعتی متصور نخواهد بود با وجود اینکه لرد مایو اظهار داشته بود که نباید
صاحبمنصبان روس را در کابل یا در افغانستان راه دهد
باز هم تا یک مدتی تمامی امور بطور آسودگی گذشت و در سنه ۱۸۷۰
وقتیکه سردار عبدالرحمن خان در شهر سمرقند در حمایت روسها
پناه آورد مشارالیه خیلی سعی و کوشش کرد که دولت روس را
ترغیب نماید که او را امداد کرده و تخت امارت را از دست
امیر شیرعلیخان بگیرند دولت روس نه تنها براین عمل منکر گردید
بلکه پیمان قطعی کرد که ما گذشته از آنکه قصد جنگی با امیر شیرعلیخان
بلکه همواره طالب نصرت و نیکبختی امیر مشارالیه میباشیم
زیرا که از زمان ارتباط مشارالیه با امیر بخارا تا کنون رفتاری

که مایه رنجش و ملالت ما باشد از او بظهور نرسیده است
در این اثنا نیز اخباری شایع گردید که دولت روس قصد تسخیر
مملکت خیوه نموده است وزیر مختار انگلیس مقیم سنت پطرزبورغ
در این خصوص یک سؤال و جواب طولانی کرد
لیکن پرنس گرچاکوف نیز از این مقدمه کلیةً منکر گردید و بهمان اظهاری
که در سابق از جهة ساختن یک کارخانه در کرسنوودسک وکذا ازون
جمع قلیلی بخلوی از جهة محافظت آن کارخانه نموده بود مجدداً
شروع کرد که بدین واسطه نزدیکتر راهی از جهة تجارت با آسیای
مرکزی مفتوح گردد و نیز در ضمن خان خیوه را متنبه ساخته شود که اگر
مجدداً شروع بحرکاتی که سابق بر این با طوایف قرقز مینمود
هر آینه مورد مؤاخذه و تهدید خواهد شد با وجود این اظهارات

خود پرنس متش رالیه نیز اظهار داشت که در مقام لزوم جنگی
با خان متش رالیه خواهد شد اگرچه آنجا را هم بکلی تصرف نمائیم
لیکن ضمیمه ممالک خود محسوبش خواهیم داشت
چیزی از این مقدمه نگذشت که در سنه ۱۸۷۱ مجدداً اخبار وحشت انگیزی
در میانه مردم شایع گردید که دولت روس تهیه و تدارکی می‌بیند
که اردوئی بر سر خیوه بفرستند تا آنکه دست آخر دولت روس را
ترغیب کرده و رفته رفته این خیال مجسم گردیده اردوئی بر سر خیوه
فرستاد
در سنه قبل رؤسای عسکریه مجدداً دولت متبوعه خود را ترغیب نمودند
که اردوئی بر ضد خان خیوه کشیده و بواسطه عداوتی که متش رالیه
با دولت روس میورزد او را صدمه زده و تهدید نمایند لیکن

میسو استریموکوف دولت متبوعه خودرا ازاین خیال بازداشت
وهمین قدر دلالت نمود که هرگاه چند نفر از صاحبمنصبان نظامی ازسمت
طرف بجانب خیوه رفته رسیده کی وتفتیش تدابیر جنگی نمایند شکّی نیست
که باعث بر خوف و وحشت خان خیوه خواهد گردید دیگر لزوم لشکرکشی
و جنگ نیست

لیکن چنین معلوم گردید که دولت روس تا آن زمان نیز
با خان خیوه بطور حلم و حوصله حرکت مینماید و امیدوار بر این است
که خان مشار الیه گوش به کلمات ناصحانه دولت روس داده
ترک تمامی حرکات نامعقولانه خود بنماید و آنچه را دولت روس
از خان خیوه میخواست این بود که بواسطه طوایف دشمن
که ممالک خوانین نشین را احاطه نموده اند اخلالی که باعث

به تعویق عمل تجارت باشد بظهور نرسد و رعایای دولت
روس را نباید در آنجا باسارت بگیرند

لیکن در هر حال حالت خوف و خشیه برا اهالی انگلستان
روی داد و آنهم بدین جهه بود که کنت شوالف که در حضور
امپراطور روس خیلی مقرّب میبود از جانب امپراطوری مقرر گردید
که رفع تمامی حوادث نامناسب خیوه را نماید و دولت متبوعه
خودرا ازاین جهه آسوده خاطر گذارد

و در انگلستان چنین مشهور گردید که همین باعث بر تقدمات
روسها در آسیای مرکزی که درحقیقت بجانب خیوه است
میباشد کنت شوالف درباره خیوه بیانات ذیل را در سنه ۱۸۷۳
نمود

نظر بلشگرکشی بجانب خیوه اینمطلب قرین بصدق است ما مصمم
شده ایم که در فصل بهار آینده این اقدام را نمائیم بملاحظه
پایان حقیقت امر همین قدر کافی است که بگوئیم اردوئی که مامور
خیوه خواهد شد مرکب از چهار باطالیان و نیم است و قصد
از فرستادن اردوی مذکور این است اشخاص راهزن
و قطاع الطریق را تنبیه و مؤاخذه کرده و مانع از ظهور این
نوع حرکات شوند و پنجاه نفر از اسرای روسی رهائی
داده شود و خان خیوه را آگاه و مطلع سازند که این گونه
حرکات و رفتار هرگز مقارن با خیالات معتدلانه
دولت روس نمی باشد نه تنها قصد امپراطور دور از متصرف
شدن خیوه میباشد بلکه اوامر اکیده در این باب صادر کرده

و مانع از تصرف شدن آنجا شده اند و دستور العملهائیکه
بصاحبمنصبان آن اردو داده شده این است که کاری بجائی
نرسانند که عاقبت آن بنحو متصرف شدن طولانی خیوه باشد
کنت شوالف رجوع نمود باین مطلب که بواسطه اندیشه که در
انگلستان از این لشکرکشی بجانب خیوه بظهور رسیده امپراطور متوقع
من خیلی متعجب و حیران است با وجود اینکه لرد گرانویل از من
خواهش کرد که اطمینان کاملی بایشان داده که مشارالیه نیز
بمجلس پارلمنت اطمینانی دهد
لیکن کمتر از دو سال از اینمقدمه گذشت که خان خیوه بواسطه
عدم قدرت و ناتوانی خود در مقابل اردوی روس ناچار
گردیده و خود را خادم حقیر امپراطور روس قلمداد و نیز در این اثنا

محض از جهة اظهار رقیت و تبعیت خود خان مشار الیه نه تنها عمل
دست چپ آنجا که خارج از حقوق و مداخله دولت روس بود
نیز واگذار بدولت مشار الیها کرد و لهذا بمناسبت متصرف شدن
دولت روس بر دو ساحل رود جیحون دولت انگلیس ملاحظه
تقدم دولت مشار الیها در آسیای مرکزی با دربار سنت پطرزبورغ
شروع بمجابره و مکاتبه کرد

مع هذا لرد گرانویل لزومی بجهة خورسی کاملی ترتیب و اطمینان
هائی که کنت شوالف درباره لشکرکشی بجانب خیوه داده بود
ندیده و اظهار روا داشت که این وحشت و اندیشه که درباره اوقات
در انگلستان بظهور میرسد که اتساع سلطنت روس در آسیای
مرکزی باعث بر خوف و خطرناکی سلطنت هندوستانی

دولت انگلیس میشود بهیچ وجه محل توجه و اعتنائی نیست و دولت
روس از این تقدمات بهیچ وجه قصد وارد آوردن ضرری بر سلطنت
هندوستانی دولت انگلیس نخواهد داشت

و در اواخر سنه ۱۸۷۳ خوف و اندیشه غیرمترقبی روی داده
و آن این بود که امیر افغانستان بواسطه تقدم فوری روس
بر سرحد افغانستان خیلی خائف و متوحش گردیده و واهمه
مشار الیه این بود که دولت روس قصد یک لشکرکشی باراضی
ترکمانیه و تسخیر مرو و مشخص ساختن طوایف تراکمه آن نواحی دارد
و امیر افغانستان در این باب مراسله بحکومت هندوستان
نوشته و اظهار شکی کرده و طلب دلالت و راه نمائی از حکومت
هندوستان نمود اخبار آن لشکرکشی روسها که مقرر بود

در فصل بهار آینده آن سال بظهور رسد از هر سو و جانب بدولت
انگلیس رسیده و تمامی اشخاص صاحب نفوذ و اقتدار
مطبوعات روسی هم اظهار تحسین در این خصوص کرده
و محسنات این عمل را بدولت متبوعه خود ظاهر و آشکارا می ساختند
و طوایف تراکمه خود شان پیمان نمودند در چندی قبل اخبار
این قصد را از جانب صاحبمنصبان روسی به رؤسا و خوانین ترا‌کمه
داده شده و نیز با شان اخباری داده شده است که بدولت
ایران اظهار تبعیت و انقیاد نمایند و این مطلب هم مقارن بصحت
میباشد که در بار سنت پطرزبورغ مصلحت از این لشکرکشی ندیده
و انکار از چنین مطلبی مینمود لیکن از تجارب و امتحانات ماضیه
چنین معلوم گردید که این اظهار دولت روس درباره عدم

رضامندی خود از لشکرکشی بجانب ترکمانیه و تسخیر مرو عجالة
اظهار داشته بود بکلی بی اصل بوده است و در زمان آینده
بعضی حوادث روی داد که دولت روس ناچار شد از این
که با این مطلب رجوع کرده و این خیال قدیمه خود را بانجام رساند
مختصراً بدون هیچ گفتگوئی بر دولت انگلیس واضح و آشکار
گردید که من بعد از این حوادث نامطلوبی چنانکه یکمرتبه قبل از این
بظهور رسیده بود مجدداً در افغانستان بظهور خواهد رسید
که بدان وسیله دولت روس دست آویزی از جهة رفتاری
که بر ضد مقاصد دولت انگلیس است بدست خواهد آورد
لیکن نظر بشروطی که فیمابین دولتین روس و انگلیس شده بود
دولت انگلیس در صلاح و مصلحت خود ندیده از اینکه اقراری نماید

که مملکت افغانستان همواره از تدابیر خصمانه دولت روس
مصون و محفوظ خواهد ماند و هرگز باور نمی‌کند که دولت
روس بکلی درباره الحاق افغانستان قصد و خیالی ندارد
بلکه دولت انگلیس چنین مصلحت داشت که دولت روس را
از این خوف و وحشتی که بامیر افغانستان مستولی شده آگاهی
و اطلاع دهد و اطمینان امیدواری کامل خود را نماید
که هرگاه دولت روس لشکرکشی دیگری بجانب طوایف
تراکمه نماید هرآینه دولت انگلیس این مسئله را در نهایت
مواظبت بزیر نظر دقت خواهد آورد بر حسب اتفاقی
که امیر افغانستان از دوچار شدن بآن خیلی خائف
و متوحش میباشد دولت انگلیس چنین مصلحت دید که فوراً

در نهایت صراحت و آشکارا اظهار نماید که استقلالیت افغانستان
در نظر ما باعث عمده از جهة امنیت و آسایش ممالک هندوستانی
دولت انگلیس و سبب بر سلامت تمامی قطعه آسیا خواهد بود
هرگاه دولت روس طوایف تراکمه را در زمان حال یا استقبال
از اراضی خود کوچانیده و باطراف هرات روانه کند که در آنجا
سکنا گیرند و بواسطه هر نوع تدابیر لشکری که از دولت روس
بعمل آید خواه جزئی و خواه کلی باشد در این باب شکی و شبهه
نبوده که امیر افغانستان مبتلا بدو زحمت و مشقت خواهد شد
اولاً هرگاه طوایف تراکمه در حول و حوش هرات سکنا گیرند
هرآینه اختلال و اغتشاش در مملکت ایشان خواهد شد
ثانیاً درصورتیکه امیر مشارالیه را متعهد نمایند که زمام اختیار

آن طوایف وحشی را بحیطه تصرف خود درآورده و آنها را
از رفتن بآن اراضی که دولت روس اخراجشان نموده
مانع شود نیز یک نوع شکنجه و زحمت زیادی بامیر مزبور روی
خواهد داد از یکطرف معلوم نیست که چگونه امیر مشار الیه را می‌توان
در این موارد ملتزم و متعهد ساخت و هرگاه مشار الیه را
در این عمل متکفل نمایند آن وقت راه ادعای بزرگی از جهة حقوق
خود غالباً هم در آنها محقق است از جهة امیر سابق الذکر گشوده
خواهد شد از طرفی دیگر باید مسائل محدثه را بقسمی متصدی شد
که بر وفق قرار و شروطی که فیمابین دولتین روس و انگلیس داده
شده است بوده باشد نه آنکه دولتی دیگر حق مداخله یا گفتگوئی
داشته باشد ——

دولت روس پس از رجوع باشاراتیکه در سابق نموده بود
که قطعه افغانستان کلیةً دور از نقاطی است که منافی نسبت
بنفوذ متصور است شرح ذیل را بیان کرد که دولت روس
قصدی بجهة لشکرکشی بر سر تراکمه ندارد و این مطلب هم کلیةً منوط
باین است که تراکمه مذکوره با ما بطور قاعده و معقولیت رفتار
نمایند که شاید ما بدین واسطه منافعی از ولایات هم‌جواری
خود و از ولایاتیکه دور از حدود خود میباشد حاصل کرده
و عمل تجارت را بطور امنیت و آسوده‌گی اتساع دهیم
لیکن هرگاه آن طوایف شورش‌انگیز و مفسد بخواهند که بر قوافل
تجارت یا رعایای ما تاخت و تاز آورده اموال آنها غارت
نموده و یغما برند آن وقت ما ناچار خواهیم شد از اینکه

طوایف مذکوره را تنبیه و مؤاخذه نمائیم — و دولت انگلیس هم لازم است
که از روی قواعد و قرائن این مطلب را فهمیده باشد که هیچ دولتی در صورت
آمیزش نمودن با طوایف وحشی نمی تواند این حالت را بدون آنکه تدبیری
که مایه آسایش و امنیت است از ایشان رفع کند در هر حال اول آرزوی
ما این است در صورتیکه لزوم به تنبیه و مؤاخذه شود معاملگی انفقره در نزدیکی
حدود ممالک خودمان بعمل آید نه آنکه بفاصله بعیدی از آنجا

و در مرتبه دیگر هم پرنس گرچاکوف موضحاً بیان و اعتراف درباره
اوامر و احکام امپراطور متبوعه خود کرده که امپراطور معظم ما احکامی صادر کرده
که بهیچ وجه اردوئی بر سر ترکمه تکه که قصد ترکمه که در اطراف و جوانب
مرو میباشد فرستاده نشود و دولت متبوعه من آن اوامر امپراطوری
موکد و بلیغ صادر نموده که احدی از صاحبمنصبان جسور جرات تجاوز

یا تعدی بر ترکمه مذکوره نخواهند کرد همین جلوگیری به خیالات انجمن
علمی و مانع شدن آنها از بعضی تصورات در این باب دلیلی است
کافی لهذا برحسب عقیده من از این مسافرت امپراطور معظم ما به لندن
بهیچ وجه در افق عالم سیاسی ابری ظاهر و هویدا نمیباشد
لیکن برخلاف فقرات فوق — تقدمات دولت روس در برابر
مرو روز بروز قوت میگرفت چنانکه ایرال دربی که در آن زمان سمت
مستشاری وزارت خارجه داشت در سنه ۱۸۷۹ مطالب ذیل را در این باب
مینگارد من کنت شوالف را یادآوری نمودم که در چند ماه قبل
ایشان را اخبار نموده ام که قطعه مرو در نظر حکومت هندوستان خیلی
جای حمم و مشابهی است
و نیز از خلال مخاطره که از این رو در روابط دولتین روس و انگلیس بظهور

خواهد رسید ایشان را آگاه و مستحضر ساختم مشار الیه در جواب مرا گفت

که آنچه را در چند ماه قبل بمن یادآوری کرده اید بخاطر آورده و بدولت متبوعه

خود نوشته ام و نیز گفت مشار الیه تمامی این مخاطراتیکه از مقابله شدن

دولتین روس و انگلیس با یکدیگر در نواحی هرات بظهور خواهد رسید

بنظر خود آورده و در خاطر خود مصور ساخته است و در فقره که من با ایشان

اظهار داشتم که هرگاه دولت روس در این باب پیش قدمی نماید

دولت انگلیس هم بهیچ وجه اقدامی نخواهد کرد و پایان مخصفانه خود را که

وصحه بر این مطلب گذارد و با ایشان نیز اظهار داشتم که دولت انگلیس آرزومند

بر این است که استقامت و استقراری با منیت و آسایش داده

و اول دولتی نباشد که نسبت تعدی یا تجاوز باو داده شود

وزیر مختار مشار الیه در جواب اظهار داشت که دولت متبوعه من کلیتاً

باین اظهارات و بیانات من قانع و ممنون خواهد شد و گفت که بعضی

از روزنامجات روسی از رأی خود نطقهای خوف انگیز که باعث بر ظهور

بعضی حوادث نامطلوب میباشد در صحایف خود درج مینمایند

دو سال از این مقدمه بگذشت که مجدداً در سنه ۱۸۷۷ دولت انگلیس بواسطه

حوادث نامطلوبی که از حرکات افواج روس در اراضی ترکمه

بظهور میرسد دولت روس را مطلع و مخبر ساخته و جلب توجه دولت

مشار الیها را بآن وقایع مینمود و نیز بدولت مشار الیها اخبار داد

که هرگاه افواج روس قصبه مرو را تصرف نمایند هرآینه عقیده عمومی

اهالی تمام ممالک بعیده و قریبه آسیای مرکزی این خواهد شد

که دولت روس قصد دارد تمامی نواحی آنجا را هم متصرف شود

و هرگاه هم آنجا را در جزو سلطنت خود محسوب ندارد باز هم باظهاری

که بدولت انگلیس کرده که دولت روس هرگز قصد مداخله در این اراضی ندارد
خلاف کرده است

و بواسطه چنین قضیه بر قلب اعلیحضرت ملکه انگلستان چنین خطور خواهد کرد
که لزومی از جهة اقدام در مخابره با دربار روس ببیند که بدین واسطه رفع
آنهمه خوف و وحشتی که باهالی آن ممالک آسیائی روی داده شده باشد
تمامی اهالی آن ممالک هرگز نمی توانند ببینند که دولتین روس و انگلیس
پیش قراولهای خود تا نزدیکی یکدیگر که در میانه اراضی آنها میباشد قرار داده
و هر روزه سکنه آنجا را بملاحظه منافع دولتی خود ملزم به بعضی تکالیف شاقه
بنمایند

لیکن دولت روس دائما اصرار مینمود که این حرکت اردوی ما بجانب
قزل آروا قصدی جز تغییر آب و هوای لشکریان خود نداریم

همچنانکه اردوی قفقازیه خود را هر ساله از جهة تغییر مکان بجائی دیگر حرکت
داده و بسرحدات خود امنیت و استقراری میدهیم تمامی اوامری
که سابق براین بسرکرده اردوی قزل آروا صادر شده این است
که بهیچ وجه از احکام و دستور العملهای خود انحراف نورزیده و بتجاوزی
نماید و همین پیمانات زیاده موضح روسها باعث بر خوف و اضطراب
دولت انگلیس
درباره مرو گردید

چندی از این مطلب بگذشت و در سنه ۱۸۸۱ امپراطور شخصا اطمینان کامل
بدولت انگلیس داد که دولت روس بهیچ وجه قصد تقدمی بجانب
مرو ندارد و لیکن محل تعجب این است که در اندک زمانی بعد از این اطمینان
امپراطور و بیان دربار ایشان تغییر و تبدیل فاحشی در پیمانات
دولت روس بهم رسیده و اظهار داشتند که ما اقدامات

عسکریه خود را زیاده از مرو اتساع نخواهیم داد و تا همانجا اکتفا خواهیم نمود
و آنهم در صورتیست که ناچار و لابد باین اقدام شویم و هرگاه هم آنجا را
تصرف نمائیم بطور موقتی خواهد بود و بهر زودی که ممکن است
اردوی خود را از آنجا پس خواهیم خواند

لیکن این بیان روسها مانند مخفی داشتن صدای طبل در حالت
نواختن یا آنکه پنهان نمودن کسی خود را در صورتیکه بر شتری سوار شده است بود
چنانکه در تاریخ پانزدهم ماه فوریه سنه ۱۸۸۴ سر ادوارد تورنتن وزیر مختار
دولت انگلیس مقیم سنت پطرزبورغ به لرد گرانویل اطلاع داد
که چند نفر از روسا و ریش سفیدان ترکمه مرو بعشق آباد آمده و در آنجا
سوگند یاد کرده اند و عهد و پیمان باطاعت و تبعیت دولت روس
و استدعا نموده اند که شخصی فرستاده شود که امور حکومتی آن مملکت را

نظم و تمشیت دهد و اعلیحضرت امپراطور هم خود را مصمم نموده که قبول
این معنی را بنماید

علاوه بر این حکایت رفتار و کردار روسها با افاغنه زیاده از این
روس ۲
محل حیرت و تعجب است که دولت مکرر در مکرر بدون پرده پوشی
بلکه در نهایت وضوح اظهار داشت که مملکت افغانستان از جمله
نقاطی است که دور از دایره خیالات ما است و حال آنکه برخلاف
واقع بموجب تفاصیلی که در کتاب آبی مورخه سنه ۱۸۷۸ مشروح است
که جنرال ون کوفمان بانی محرک و ممد حقیقی ایشان جنرال بولیاوسکی
از سنه ۱۸۰۷ تا کنون نوشتجات و مخابرات پی در پی با امیر افغانستان
داشته و آن مکاتبات ایشان نه تنها اظهارات دوستانه
بوده بلکه حاوی و متضمن مطالب زیاده مهمه پلتیکی و منافع خارجی

و درباره بعضی اصلاحات امور داخله افغانستان بود و قصد روسها
از این مراسلات نه تنها این بود که تا مدت معینی با امارت افغانستان
مخابره داشته باشند بلکه بطور دائمی باشد و مقاصد روسها نه تنها
بمکاتبات و مراسلات منحصر شده بود بلکه وکیل مخصوصی هم با فغانستان
فرستادند با وجود آنکه مستر بوچانان در مکتوب مورخه دوم نوامبر
سنه ۱۸۶۹ خود به لرد کلارندون نوشته است که پرنس گرچاکوف
با لرد مایو شرط نموده و قرار داده است که بهیچ وجه وکیلی از جانب
دولت روس بکابل فرستاده نخواهد شد

این فقره هم مزید بر تعجب گردید که این بیان پرنس گرچاکوف
و شارطه ایشان مانند بعضی بیانات دیگر مخالف بیرون آمد
و در چندی بعد اظهار داشت که امپراطور متبوعه من بهیچ وجه

از این مراسلات با افغانستان اطلاعی ندارد و در این باب از جنرال کوفمان
سؤال و طلب اخباری کرده است و پرنس مشارالیه از تمامی مراسلات
پلتیکی که صاحبمنصبان روسی که در ترکستان بوده با امیر کابل نموده اند
بکلی منکر است و وقوع آنها را تماما تکذیب میکند علاوه بر این جنرال کوفمان
در حالت خشم و غضب اظهار داشت که من هرگز دسیسه یا حیله
با افغانستان بکار نبرده ام شکی نیست که این حرکت شخصی ایشان از جمله
تدابیر مخفیانه عوالم پلتیکی بود و از روی تعمد این حالت را بر خود ظاهر کرده
و انکار از حرکات خود با افغانستان نمود

دلیل دیگری نیز باین فقره مترتب میشود که مبنای آن از بیاناتی که لرد
سالزبری در سنه ۱۸۷۸ نمود مفهوم میگردد و لرد مشارالیه اظهار داشت
که من نمیتوانم باور نمایم که عمده مکاتباتیکه دولت روس نموده بدون

ملاحظه و رسیدگی به مراسلات سابق است و هرگز ممکن نیست که
بر تفاصیل جسورانه جنرال کوفمان که بعضی دلایل از جهة محقق بودن در استیلای
خوقند نوشته اعتمادی نمائیم و در این صورت نیز اظهار داشته
که وکلای روس حامل نوشتجات عدیده از جهة امیر کابل نبوده اند
بلکه در ابتدا چنین معلوم گردیده بود که قاصدهائیکه از جانب امیر بخارا
فرستاده شده دارای مطالب راجعه بافغانستان بوده است
نه آنکه در خصوص امور ترکستان و حال آنکه این بیانات فوق که جنرال
کوفمان کرده بنا بعقیده لرد سالزبری بکلی بی اصل و بی معنی بوده
بلکه جنرال مشار الیه برحسب اوامر اکیده دولت متبوعه خود این اقدامات
و این مکاتبات را با امیر افغانستان کرده است.
باین قسم روسها از وکالت وکیل و مأمور خود انکار نمودند —

و اظهار داشته شد که همین قدر مامور بودند که حامل نامه از امپراطور از جهة امیر بوده
نه آنکه از جانب جنرال کوفمان برقرار و تعیین شده و نه آنکه جنرال
مشار الیه او را شخصاً می شناخته است و بهیچ وجه مامور نبود که مانند ایلچی
یا وکیلی از جانب روس در کابل رفتار نماید میو گرس نیز اظهار داشت
که سواد مراسله که با امارت افغانستان بتوسط جنرال کوفمان فرستاده ام
اکنون میفرستم که ملاحظه کرده و بدانید که این اخباری که در این خصوص
بدولت انگلیس رسیده اصل و صحتی ندارد
در هر حال تاریخ حوادث درباره اقدامات جنرال کوفمان دلالت
و توضیح کاملی میدهد مثلاً در سنه ۱۸۷۸ سفارتی که در زیر ریاست
جنرال استولیتوف بوده وارد بکابل گردید و سفارت مذکور
تا مدتی بعد از گسیخته شدن روابط مودت فیمابین امارت افغانستان

با حکومت هندوستان در کابل توقف نمودند و این رفتار رسماً
که از دولت روس درباره فرستادن سفارت و نگاهداشتن آن
در مملکتی که خود دولت مشار الیها اقرار کرده بود که دور از دایره خیالات
ما میباشد باعث براین گردید که لرد سالیزبری در آن باب پرتستی نمایند
و همان پرتست باعث براین گردید که آن سفارت را از کابل طلبیدند
و خامت وضع حاضر آن زمان طوری بود که لزوم یک توجه و اعتنای
مخصوصی داشت پس از آن دولت انگلیس مصمم گردیده پرتستهای زیادی
درباره سایر حرکات روس نمود و نتیجه آن یک ختم تلخ تاریخی است
پس از جنگ سنه ۱۸۷۸ و سنه ۱۸۷۹ و بعد از بهم خوردن لشکرکشی و فوت امیر
شیر علی در سنه ۱۸۷۹ یکدسته کاغذهای زیادی که مشعر بر استعفا نمودن امیر یعقوب خان
بود و از دولت روس بمشار الیه نوشته شده بود بدست دولت انگلیس افتاد

کتابخانه مجلس شورای ملی ۱۳۰۳

و درمیانه آنها یک دسته مکاتباتی که فیمابین جنرال کوفمان و امیر شیر علیخان
رد و بدل شده بود یافته شد لیکن دولت انگلیس این مطلب را ندیده پنداشته
و پرده بران کشیده ولیکن این مطلب محل سؤال است که آیا احدی
از بنی نوع انسان قوه و تحمل این همه اهانت و خصومت را میتواند بنماید
این است وضع رفتار و کردار پنجاه ساله دولت روس با دولت
انگلیس با وجود آنکه در حقیقت اسم زنده ایست از بسیار وحشی است از خود او

ترجمه چاکر جان نثار دولت قوی شوکت
ابد مدت قاهره محمود مترجم
انگلیسی فی دوم شهر
ربیع الاول ۱۳۰۳

کتابخانه، موزه و ... اسلامی
۱۱۲۱

کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی
فیلموتیک تاسیس ۱۳۰۲

خطی
۲

کتابخانهٔ
...س شورای
اسلامی